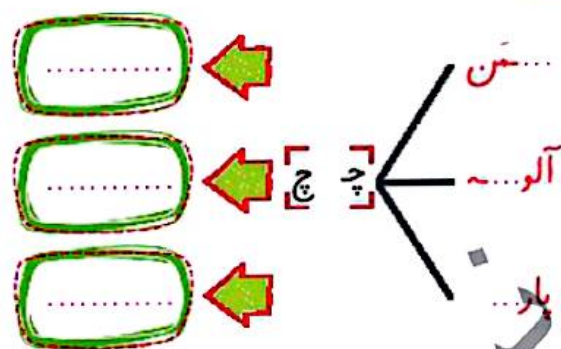
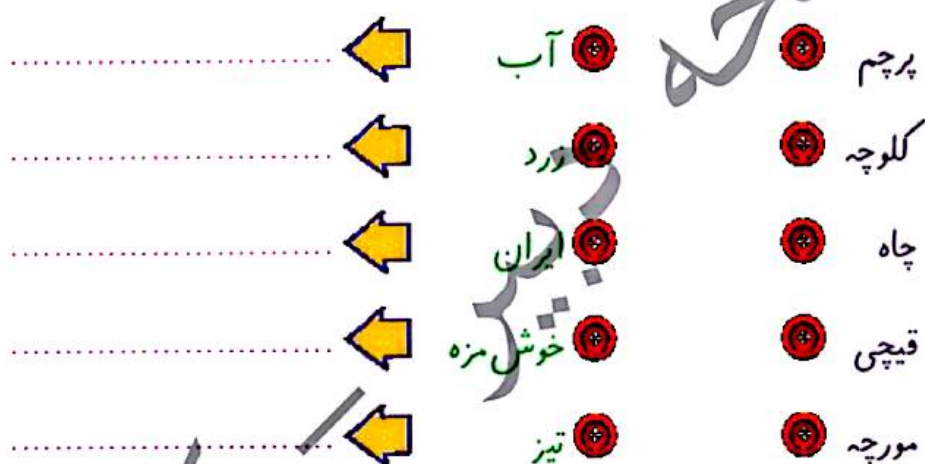


۷ کلمه بساز.



۸ کلمه‌ها را دوتا دوتا به هم وصل کن و ترکیب جدید بساز.



۹ جمله‌ی زیر را با ۲ جمله ادامه بده.

وقتی چرخ ماشین بابا پَنجر شد

۱۰ به چیستان‌های زیر فکر کن و جواب بده.

آن چیست که یک عدد چشم دارد، اما نمی‌تواند ببیند و نوک تیز دارد؟
 آن چیست که پا دارد اما راه نمی‌رود؟
 آن چیست که داغ است و در آسمان، نورانی و درخشان، شب‌ها می‌شود نهران؟





متن روان‌خوانی را با دقت بخوان و با توجه به آن، به سؤال‌ها جواب بده.



چکامه دختر کنگاوی است. او روزی چادر خود را پوشید و به کوچه رفت.
در دوست کوچه، درخت‌های چنار بلندی به آسمان رفته بودند.
چشمه‌ای در انتهای کوچه بود. چکامه به چشمه رسید. کنار چشمه پُر از چمن بود.
قوچ‌ها آن سوی چشمه می‌چرخیدند. چند مورچه اطراف یک آلوچه‌ی خشک تلاش می‌کردند تا
آن را جا به جا کنند. چکامه با خود فکر کرد که مورچه‌ها چگونه می‌توانند آلوچه را جا به جا کنند؟
ناگهان چندین مورچه‌ی دیگر نیز به کمک آمدند.
چکامه آن‌ها را شُرد. چهل مورچه دور تا دور آلوچه را گرفتند و آن را در یک چشم به هم زدن
بلند کردند ولی آلوچه دوباره روی زمین افتاد.
چکامه که دلش برای مورچه‌ها سوخته بود، آلوچه را بلند کرد. چند مورچه هنوز به آلوچه چسبیده بودند
و به همراه آن از زمین بلند شدند. چکامه آلوچه را در نزدیکی لانه‌ی مورچه‌ها قرار داد.
پس از آن، چشم چکامه به خرچنگی افتاد. خرچنگ دو چنگال شبیه به قیچی دارد. چکامه رفت تا از
پدرش درباره‌ی خرچنگ‌ها بپرسد.



به سؤال‌های زیر در یک جمله پاسخ بده.

چکامه کنار چشمه چه چیزهایی را دید؟

چند مورچه دور آلوچه بودند؟

چنگال‌های خرچنگ شبیه به چیست؟

چکامه درباره‌ی چه جانوری از پدر سؤال پرسید؟

با توجه به متن نقطه‌های کلمه‌ها را قرار بده.

مورچه حسیمه حاذر خرچنگ آلوچه می‌می

نام چه جانورانی در متن آمده بود؟ بنویس.

چشمانت را ببند و ببین چه کلمه‌هایی از متن در ذهنت باقی مانده است؟ آن‌ها را بنویس.

زیبا بنویس

چ چ چ
چوپان
قوچ کنار چشمه ایستاده است.